



محمدرضا سعیدی هرسینی\*

## نگاهی به سرفصلهای درسی رشته باستانشناسی

### چکیده

سرفصلهای درسی نقش مهمی را در فرایند آموزش و بویژه در تدوین متون درسی برعهده دارند در این مقاله پس از ذکر تاریخچه‌ای از تشکیل گروه باستانشناسی و آموزش این رشته در ایران، سعی شده است سرفصلهای درسی آن از جنبه‌های گوناگونی چون میزان هماهنگی با پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی روز رشته، آموزشهای کاربردی، میزان تداخل و تکرار مطالب و نیز حجم و تعداد واحدهای درسی مورد بررسی قرار گیرد و تا حد امکان نقاط قوت و ضعف آنها مشخص شود. ضمن آنکه در مواردی نیز پیشنهادهایی برای رفع برخی اشکالات ارائه شده است.

دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد و بنا بر مدارک موجود در بدو تأسیس دارای شش دانشکده و از جمله دانشکده ادبیات بوده است. یکی از رشته‌های این دانشکده، رشته باستانشناسی بود که به احتمال زیاد همزمان با تأسیس دانشکده ادبیات یا مدت کوتاهی پس از آن در دانشکده دایر شده است: «پیش از شهریور ماه ۱۳۲۰ دانشکده ادبیات مرکب از رشته‌های زبانهای خارجه، ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیا، باستانشناسی، فلسفه و علوم تربیتی بود و عده فارغ‌التحصیلان آن در سال ۱۳۱۹ نزدیک به ۱۰۰ نفر می‌رسید.»<sup>۱</sup>

به‌رغم آنکه سابقه تشکیل گروه باستانشناسی تقریباً همزمان با تأسیس دانشگاه تهران است و امروز بیش از شصت سال از آموزش باستانشناسی در ایران می‌گذرد و هر ساله تعدادی دانشجو در این رشته دانش آموخته و فارغ‌التحصیل شده‌اند؛ ولی متأسفانه هنوز این رشته جایگاه واقعی خود را در نظام آموزشی کشور نیافته است و علی‌رغم تخصصهای گوناگون و گرایشهای معین در باستانشناسی هنوز اقدامات مؤثری در راه آموزش این گرایشها به عمل نیامده است.

از آنجایی که اطلاعات زیادی از وضعیت تدریس و دروس باستانشناسی در سالهای نخستین تأسیس رشته باستانشناسی در دانشگاه تهران در دست نیست، بحث خود را از سال ۱۳۲۵ شروع و به نظام آموزشی و عناوین درسی این رشته اشاره می‌کنیم:<sup>۲</sup>

\* عضو هیأت علمی سازمان «سمت» (گروه باستانشناسی)

بی‌شک سرزمین ایران یکی از کانونهای فرهنگ و تمدن بشری در جهان به شمار می‌رود، تنوع آثار باستانی کشف و شناسایی شده از ادوار مختلف فرهنگ، تاریخ و تمدن در ایران مؤید این نظر است. در این سرزمین می‌توان بقایای تمدنهای عظیم و باشکوهی از دورانهای مختلف پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی مشاهده کرد. علاوه بر بقایای فرهنگی پیش از تاریخ، آثار تمدنهایی چون ایلامی، هخامنشی، پارتی و ساسانی در دوره‌های پیش از اسلام و تمدن باشکوه دوران اسلامی مانند سلجوقی، ایلخانی و صفوی در جای جای ایران دیده می‌شود. این غنای آثار سبب شده که ایران از دیرباز همواره مورد توجه محققان، پژوهشگران، جهانگردان و باستانشناسان قرار گیرد و کرسیهای ایرانشناسی تخصصی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی علمی معتبر جهان تأسیس شود.

با توجه به این جایگاه رفیع و سابقه پربرابر فرهنگی و ضرورت بررسی و پژوهش در این زمینه، تربیت متخصص و کارشناس از گذشته‌های دور مورد توجه ایرانیان نیز بوده و گروه باستانشناسی دانشگاه تهران بیش از شصت سال این رسالت را برعهده داشته است.

هدف از این نوشتار، بررسی کلی سرفصلهای درسی رشته باستانشناسی است. پیش از پرداختن به این موضوع، برای آشنایی بیشتر با این رشته، اشاره‌ای اجمالی به تاریخچه تأسیس آن در ایران بی‌مناسبت نخواهد بود.

پایه درس	پایه تحصیلی	
	سال اول	سال دوم
فنون دروس	فارسی	باستانشناسی عمومی
	فارسی	تاریخ صنایع ایران (۲)
	زبان خارجه	تاریخ تمدن ایران
	باستانشناسی عمومی	زبان پهلوی
	باستانشناسی ایران (۱)	طرح سازی و طراحی
	تاریخ صنایع عمومی	فلسفه زیباشناسی (۱)
	تاریخ صنایع ایران (۱)	عربی
تاریخ تمدن (۱)	زبان خارجه	
عربی		
جمع	۹ عنوان درس	۸ عنوان درس

آموزشی این گروه برای دوبار در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۵ به ستاد انقلاب فرهنگی و شورایی عالی برنامه ریزی درسی ارائه و پس از تصویب به مراکز آموزشی ابلاغ گردید.

در برنامه نخست، نظام آموزشی این رشته به صورت واحدهای نیمسال و شامل ۱۶۰ واحد درسی بود. از این مجموع ۳۹ واحد مربوط به دروس عمومی دانشگاهی بود و دروس تخصصی گروه در دو بخش عمومی و اختصاصی شامل ۲۱ واحد درس پایه، ۶۰ واحد درس اصلی، ۳۲ واحد درس تخصصی و ۸ واحد درس اختیاری بود. همچنین در این برنامه پیش بینی شده بود، تا حد امکان سالی ۳۰ دانشجو در این رشته پذیرفته شود. از نکات قابل توجه در این برنامه می توان به درس «باستانشناسی قرآن کریم» یا به عبارت بهتر «بررسی تکوین و تطور تمدنهای باستانی در قرآن کریم» اشاره کرد که برای نخستین بار در برنامه دروس منظور شد.

این برنامه پس از تجدید نظر برای بار دوم در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۶ در چهل و دومین جلسه شورایی عالی برنامه ریزی درسی مطرح و به تصویب رسید. در این برنامه نیز طول دوران تحصیل رشته باستانشناسی چهارسال و نظام آموزشی آن واحدی پیش بینی شده بود. دروس این رشته نیز در هفت ترم و یک ترم (فصل) حفاری ارائه می شد. طول هر ترم ۱۸ هفته و

در طی سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ مدت دوران تحصیل سه سال بوده و هر درس در برنامه سالی برای مدت نه ماه یعنی از مهر تا خرداد ماه تدریس می شده است و دانشجویان دروس تخصصی و عمومی خود را به شرح جدول ذیل می گذرانند:

در سال ۱۳۳۶ چهار درس «باستانشناسی پیش از تاریخ ایران»، «باستانشناسی مصر» «باستانشناسی بین النهرین» و «تاریخچه علم باستانشناسی» بر دروس قبلی افزوده شد.<sup>۳</sup> در سال ۱۳۳۸ با تأسیس مؤسسه باستانشناسی دانشگاه تهران زمینه تغییر عمده ای در دروس این رشته به وجود آمد<sup>۴</sup> و در تابستان ۱۳۴۹ در برنامه آموزشی گروه تغییرات جدیدی داده شد. در برنامه جدید، دروس علمی الزامی برای دانشجویان منظور شد که مدت زمان این دروس یک ترم تحصیلی بود<sup>۵</sup>. ضمن آنکه از سال تحصیلی ۱۳۴۴ نظام آموزشی دانشگاه تغییر پیدا کرد و از صورت «سالی» به «ترمی» (نیمسال) در آمد.

پس از تعطیلی دانشگاهها در مهر ۱۳۵۹ و آغاز انقلاب فرهنگی، ضرورت بازنگری در دروس و سرفصلهای مصوب دانشگاهی، برای بازگشایی دانشگاهها، در اولویت کاری ستاد انقلاب فرهنگی قرار گرفت. در این میان سرفصلهای دروس گروه باستانشناسی و تاریخ هنر، که البته بعدها عنوان تاریخ هنر از آن حذف شد،<sup>۶</sup> مورد تجدید نظر و بازنگری قرار گرفت. برنامه

ساعت تدریس هر واحد درس نظری ۱۷ ساعت و عملی ۳۴ ساعت و کارآموزی یک فصل در نظر گرفته شده بود. تعداد کل واحدهای درسی در مقطع کارشناسی ۱۴۴ واحد و شامل ۲۳ واحد درس عمومی، ۱۶ واحد درس پایه، ۶۸ واحد درس اصلی، ۳۲ واحد درس تخصصی و ۲۱ واحد درس اختیاری است.<sup>۷</sup> در حال حاضر این برنامه در گروههای آموزشی باستانشناسی در مقطع کارشناسی در تمام دانشگاههای ایران تدریس می‌شود.

\* \* \*

سرفصلهای درسی به عنوان یکی از محورهای مهم در فرایند آموزش به‌طور اعم و تدوین متون درسی به‌طور اخص اهمیت ویژه‌ای دارد. این سرفصلها که به منظور هماهنگ کردن آموزش در دوره‌های تحصیلات عالی در دانشگاههای مختلف تدوین و تصویب شده است،<sup>۸</sup> باید دارای ویژگیهایی باشد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. در راستای اهداف آموزشی رشته باشد.
۲. متناسب با سطح معلومات و آگاهیهای دانشجویان باشد، به صورتی که در تهیه آنها به آموخته‌ها و نیز مطالب آموزشی آینده توجه شود.
۳. از انسجام منطقی برخوردار باشد، چون سرفصلهای درسی قالبهای نسبتاً محکمی را فراهم می‌آورد تا با توجه به آن بتوان به شکلی اصولی و نظام‌مند مطالب درسی را ارائه کرد.
۴. با جدیدترین پیشرفته‌ها و دستاوردهای علمی رشته هماهنگ باشد، به تعبیر بهتر روز آمد بوده و به گونه‌ای طراحی شود که بتوان آنها را با تحولات و دانش روز هماهنگ کرد.
۵. محتوای آن، هدف اصلی از درس را پوشش دهد، معمولاً در ابتدای سرفصل هر درس هدف از تدریس آن ذکر شده است.
۶. محتوا و مطالب مطرح در سرفصل از نظم و ترتیب منطقی برخوردار باشد، به عبارت بهتر از مفاهیم و کلیات رشته آغاز و به مسائل مهم و اساسی آن اشاره شود. البته این اصل باید در تدوین سرفصلهای یک رشته و نیز در تدوین محتوای یک درس خاص لحاظ شود.
۷. به گونه‌ای طراحی شود که حد و مرز مباحث مطرح در آن با سایر دروس مشابه رعایت شده باشد.
۸. ساده، مشخص و قابل فهم باشد، چون به تجربه ثابت شده چنانچه فراگیران قبل از درس از محتوای آموزشی آن آگاه

باشند، فرایند یادگیری سهلتر و مؤثرتر انجام می‌گیرد.  
۹. محتوای دروس با توجه به مقتضیات زمان و نیاز جامعه تهیه و در دروس خاص جنبه‌های کاربردی آموزش لحاظ شود و صرفاً به ذکر مباحث نظری اکتفا نشود.

۱۰. تدوین و تهیه سرفصلها به گونه‌ای باشد که مدرس بتواند به موضوعات جدید و مختلف علمی در آن رشته بپردازد.  
۱۱. حجم سرفصلهای یک درس با زمان در نظر گرفته شده و تعداد واحد آن هماهنگ باشد تا مدرس بتواند بدون دغدغه خاطر از کمبود وقت، به ارائه درس و بررسی عمیق موضوعات بفرنج و پیچیده بپردازد.

۱۲. تنظیم و تدوین سرفصلهای دروس با مشورت و مشارکت صاحب نظران رشته و مدرسان هر درس صورت پذیرد. در اینجا سرفصلهای درسی رشته باستانشناسی را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کنیم.

الف) هماهنگی با آخرین تحولات علمی روز. آنچه راکه در باستانشناسی با اطمینان می‌توان بیان کرد، این است که در خصوص نظریات و تحلیلهای باستانشناسی نمی‌توان اظهار نظر نهایی کرد، به تعبیر دیگر هر چیز با احتمال عجیب است. چه بسیار اتفاق افتاده با کشف آثار جدید یا حفاری در محلهای جدید، نظریه‌های پیشین در خصوص جدول گاهنگاری و زمانی یک منطقه تغییر کرده یا تأثیر و نفوذ فرهنگی در سایر مناطق همجوار آن به بازنگری نیاز پیدا می‌کند. توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های میدانی باستانشناسی، آثار و مدارک جدیدی ارائه می‌دهد که علاوه بر حل معماهای موجود، تجدید نظر در تحلیلهای برداشتهای پیشین را ضروری می‌سازد. طبیعت باستانشناسی اقتضا می‌کند که در عرصه آموزش این علم، سرفصلهای درسی حداقل هر پنج سال یک بار بازنگری شود.

گذشته از تحولات و پیشرفتهای روزافزون در این رشته و سایر علوم، گاهی تحولات سیاسی و مقتضیات زمان نیز بر امر تجدید نظر در سرفصلهای مصوب دروس مؤثر است. از جمله این موارد در رشته باستانشناسی می‌توان به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و تولد جمهوریهای جدید در آسیای مرکزی اشاره کرد. پیوندهای عمیق فرهنگی و هنری ساکنان این مناطق یا به عبارت دقیقتر سرزمین ماوراءالنهر با ساکنان فلات ایران در دوره‌های مختلف ایجاب می‌کند در کنار تدریس دروسی چون «باستانشناسی مصر»، «هنر خاور دور» (چین و

ژاپن) و «هنر هندباستان» به مباحثی در خصوص باستانشناسی جمهوریهای تازه استقلال یافته‌ای چون آذربایجان، ارمنستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان پرداخته شود، تا با آموزش و تربیت نیروهای متخصص، زوایای تاریک فرهنگی - تاریخی این مناطق را که اکنون بسیار مورد توجه باستانشناسان سراسر دنیا قرار گرفته، در ارتباط با فلات ایران، روشن و بررسی کرد و دامنه گسترش و نفوذ فرهنگ و هنر این سرزمین را، جدا از مرزهای سیاسی امروز، در قالب یک موضوع واحد مورد مذاقه قرار داد.

با توجه به واقعیات متعاقب فروپاشی در آسیای مرکزی آیا منظور کردن دروسی در این موضوع در برنامه آموزشی رشته باستانشناسی ضروری نیست؟ آیا عدم توجه به این موضوع نقصی اساسی در برنامه دروس نیست؟

امروزه بهره‌گیری از علوم مختلف دیگر از جمله زمین‌شناسی، فسیل‌شناسی، رسوب‌شناسی، چینه‌شناسی، بوم‌شناسی، گیاه‌شناسی و جغرافیای انسانی و جز آن، دامنه تحقیقات علم باستانشناسی را گسترده‌تر کرده است و گستردگی این دانش، خود موجب ایجاد شاخه‌های مختلف وابسته، نظیر باستانشناسی تجربی، باستانشناسی نظری، باستانشناسی اجتماعی، باستانشناسی رفتاری، باستانشناسی زبردیا و باستانشناسی فرایندی شده است.<sup>۹</sup> اما هنوز در ایران به‌رغم تنوع و غنای آثار، نه تنها اقدامی در خصوص آموزش یا پژوهش این گرایشها به عمل نیامده، بلکه این رشته به همان صورت و روش سنتی که در ابتدا آغاز شده، آموزش داده می‌شود.

در جهان امروز رشته‌های تخصصی مختلف، رابطه تنگاتنگی با دیگر رشته‌ها دارند و چه بسا دستاوردهای علمی یک رشته، راهگشای فعالیت‌های تحقیقاتی علوم دیگر شود. برای نمونه می‌توان به کشف روش تعیین قدمت اشیا و آثار باستانی بر اساس مقدار اندازه‌گیری کربن ۱۴ در بقایای موجودات زنده، که توسط و.ف. لیبی متخصص شیمی ابداع گردید،<sup>۱۰</sup> اشاره کرد. بنابراین به هنگام تدوین سرفصلهای درسی یک رشته این موارد باید مدنظر باشند. نمونه عملی در این خصوص عدم توجه به سیستمهای اطلاعات جغرافیایی GPS, GIS در برنامه دروس عملی و میدانی رشته باستانشناسی است که به‌رغم کاربرد فراوانش در امر شناسایی و تعیین موقعیت محلها و اماکن باستانی در برنامه دروس جایی ندارد. بنابر آنچه گذشت باید

اذعان داشت متأسفانه سرفصلهای دروس رشته باستانشناسی چندان با تحولات روز در سطوح علمی داخلی و بین‌المللی هماهنگی ندارد.

ب) محتوای کاربردی سرفصل دروس. برای آگاهی از جنبه‌های کاربردی آموزش عالی در ایران باید به بررسی کارایی محصول آن یعنی دانش‌آموختگان این نظام آموزشی، همانند درختی که کیفیت و مرغوبیت محصول آن دال بر وجود شرایط مساعد برای رشد و باردهی آن است، پرداخت. از آنجایی که محل بکارگیری نیروهای آموزش دیده معمولاً در دستگاههای اجرایی است، موفقیت یا عدم موفقیت این دستگاهها در انجام وظایفشان تا حدی به وضعیت و ترکیب نیروهای تخصصی آن باز می‌گردد، تأسیس مراکز آموزشی در کنار وزارتخانه‌ها، سازمانها و دستگاههای اجرایی، خود بهترین گواه بر عدم هماهنگی نظام آموزشی با نیازهای روز جامعه است. مضافاً به اینکه هر چند یک بار در مصاحبه‌ها و گزارشهای مختلف، مسئولان مراکز اجرایی از کمبود نیروی متخصص سخن می‌گویند. این امر باعث شده دستگاههای اجرایی خود در عرصه آموزش به فعالیت بپردازند.

آموزش در رشته باستانشناسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و تأسیس مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی کشور مؤید این ادعاست.<sup>۱۱</sup> البته غرض بررسی فعالیت‌های این مرکز نیست و ضمن ارج نهادن به نقش این مرکز در امر آموزش، بحث بر ضرورت تطبیق نظام آموزشی کشور با نیازهای روز است. برای رفع این نقیصه، بازنگری در سرفصلهای دروس دانشگاهی به عنوان یکی از مهمترین عوامل در فرایند آموزش و تربیت نیروهای متخصص راهگشاست. از طرفی هماهنگی بین مسئولان دستگاههای اجرایی و برنامه‌ریزان درسی به هنگام تدوین یا بازنگری محتوای دروس بسیار حائز اهمیت است.

در رشته باستانشناسی به‌رغم وجود ۲۰ واحد<sup>۱۲</sup> درس عملی با عنوان کارآموزی حفاری در برنامه درسی، متأسفانه در سایر دروس کمتر به مسائل کاربردی پرداخته شده است. این ۲۰ واحد درس عملی نیز به منظور آموزش دانشجویان در طول یک ترم تحصیلی (یک فصل حفاری) در نظر گرفته شده ولی عملاً در مدت زمان بسیار کمتری یعنی حتی  $\frac{1}{3}$  زمان ترم کاهش یافته است و این در حالی است که هدف از تأسیس رشته باستانشناسی تربیت نیروهای متخصص برای شرکت در

کاووشهای باستانشناسی است.<sup>۱۳</sup> از طرف دیگر در برنامه دروس می‌توان به کمبود دروسی چون نقشه‌برداری فنی، عکاسی، ... به‌عنوان آموزشهای کاربردی و ضروری برای باستانشناسان اشاره کرد.

البته عدم کارآیی مناسب دانش‌آموختگان این رشته را می‌توان تا حدی معلول آموزش انحصاری باستانشناسی در یک دانشگاه برای مدتی بالغ بر شش دهه دانست. در حالی که این وضعیت در سایر رشته‌های تحصیلی دانشگاهی بویژه در علوم انسانی بندرت دیده می‌شود. وجود گروههای آموزشی متعدد در دانشگاهها و رقابت سالم آنها قطعاً در افزایش کیفیت آموزش و تربیت نیروی متخصص مؤثر است. خوشبختانه در سالهای اخیر گروههای آموزشی باستانشناسی در دانشگاههای مختلف کشور از جمله در دانشگاههای سیستان و بلوچستان، بوعلی سینای همدان، آزاد اسلامی تهران و ابهر تأسیس شده و در مراکز آموزشی دیگری هم در شرف تأسیس است. این مقوله می‌تواند به ارتقای سطح کیفی آموزش این رشته بیفزاید. البته با توجه به غنای آثار باستانی ایران، چنانچه آموزش رشته باستانشناسی در دستور کار تمامی مراکز آموزش عالی قرار گیرد، زمینه جذب فارغ‌التحصیلان برای پژوهش در امور و مسائل باستانشناسی کشور وجود دارد.

ج) تناسب و حجم و تعداد واحدهای دروس. بحث در خصوص تناسب و حجم و تعداد واحدهای درسی رشته باستانشناسی به یک بررسی دقیق و همه‌جانبه نیاز دارد که تا حدی از حوصله این مقاله خارج است. ما ضمن تقدیر از تلاش بی‌دریغ تدوین‌کنندگان این برنامه که به‌رغم وجود کمبودها و محدودیتها در برهه خاص زمانی انقلاب فرهنگی به این مهم دست یازیدند، به ذکر نمونه‌هایی از این نارساییها اکتفا می‌کنیم: درس «باستانشناسی پیش از تاریخ ایران» در قالب دو واحد درسی ارائه می‌شود و این در حالی است که تحقیقات باستانشناسی به صورت بررسی، حفر آزمایشی و حفاری حداقل در ۸۰ محل باستانی معرف آثار این دوره، انجام گرفته است، چگونه می‌توان در قالب دو واحد درسی به بررسی کامل و همه‌جانبه آن پرداخت؟

دروس «باستانشناسی دوران تاریخی»، یعنی دروس مربوط به هنر و باستانشناسی هر یک از دوره‌های تاریخی ایران شامل تمدنهای ایلامی، مادی، هخامنشی، اشکانی یا پارتی و ساسانی

در قالب دو واحد درسی ارائه می‌شود. این کمبود تعداد واحد عملاً بررسی گوشه‌هایی هرچند ناچیز از فرهنگ و هنر این تمدنهای عظیم را ناممکن می‌سازد.

درباره دروس مربوط به «هنر اسلامی» نیز، کاستیهایی مشاهده می‌شود. درس مربوط به هنر اسلامی ایران و بویژه هنر معماری آن در قالب شش واحد درسی ارائه می‌شود. نقص برنامه دروس در این زمینه زمانی بارزتر می‌شود که از گستردگی و تنوع آثار دوره اسلامی در ایران در قالب بناهای مذهبی و غیرمذهبی شامل مساجد، مقابر، مدارس، کاروانسراها و .. آگاهی داشته باشیم، هرکدام از این آثار در نوع خود شاهکارهای هنری به شمار می‌روند. نمونه جالب در این خصوص وفور آثار برجسته هنر اسلامی دوره صفوی در اصفهان است. معرفی و آشنایی مختصر با این آثار نیاز به چندین واحد درسی دارد که البته این امر بدون در نظر گرفتن آثار دوره صفوی در سایر شهرهای ایران مانند اردبیل، قزوین، بهشهر ... است. این تقیصه تا آنجاست که فقط ذکر کامل اسامی آثار دوره اسلامی ایران به وقت و تعداد واحد درسی بیشتری نیاز دارد.

آنچه گذشت بررسی اجمالی حجم متناسب و تعداد واحد کافی برنامه دروس رشته باستانشناسی در سه گرایش اصلی این رشته یعنی دروس مربوط به دورانهای پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی است و این وضعیت را می‌توان در سایر دروس این رشته نیز مشاهده کرد.

د) تکرار و تداخل در سرفصل دروس. هرچند تکرار تاحدی در یادگیری مؤثر است، اما فی‌نفسه موجب اتلاف وقت و امکانات است. از آنجا که باستانشناس به سیر تحول هنر توجه دارد و باید تمام جوانب هنری یک اثر و یا پدیده خاص را به عنوان ملموسترین تبلور مادی ذهن بشر، در یک دوره و سایر دوره‌ها بررسی کند، بنابراین تکرار ویژگیهای تمدن و هنر یک دوره خاص و تأثیر آن بر دوره‌های بعدی در پیشرفت تمدن بشر، تاحدی که به تفهیم درس کمک کند، اهمیت دارد. ولی در عین حال باید از تکرار غیرضرور و کار موازی یا تداخل موضوعات در تدوین برنامه درسی اجتناب ورزید.

مسأله تداخل در سرفصلهای درسی ناشی از نامشخص بودن حد و مرز موضوعات درسی است. به هنگام تدوین سرفصلهای درسی باید حد و مرز دروس بخوبی مشخص و معین باشد و محدوده هر موضوع تعریف شده باشد و از تکرار مباحث

غیرضروری جلوگیری شود تا برنامه درسی از انسجام منطقی برخوردار شود. تداخل در مواردی، یادگیری را مختل می‌کند و این امر با توجه به شیوه‌های مختلف آموزش مدرسان و استادان ممکن است باعث سردرگمی مخاطبان نیز بشود. در برنامه دروس رشته باستانشناسی تداخل مطالب مشهود است. برای مثال در رئوس مطالب درس «تاریخچه علم باستانشناسی» به مباحثی چون تاریخچه این علم در جهان و ایران، آشنایی با محل‌های حفاری شده در مناطق مختلف ایران شامل شمال و شمال غربی، جنوب، نقاط مرکزی و شرقی اشاره شده است. در پایان سرفصل این درس مطلبی با عنوان «معرفی نقاط باستانی بین‌النهرین که تاکنون مورد کاوش قرار گرفته و کاوشگران آن» ذکر شده است. هر چند آشنایی با هنر بین‌النهرین در مطالعات باستانشناسی ایران حائز اهمیت است؛ اما جایگاه این موضوع در این درس نیست و باید در دروس دیگری همچون «باستانشناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین» و «هنر و معماری بین‌النهرین در دوران تاریخی» به آن پرداخت.

ه) انسجام منطقی و مکمل‌سازی دروس. از آنجایی که موضوع علم باستانشناسی سیر تاریخ و تمدن بشر است، رعایت انسجام منطقی و مکمل‌سازی دروس مختلف در آموزش این رشته اهمیت ویژه‌ای دارد. اصولاً ماهیت این دانش ایجاب می‌کند جنبه مکمل‌سازی در برنامه دروس لحاظ شود، بدون رعایت این اصل نمی‌توان در آموزش این تخصص موفقیتی کسب کرد، زیرا تقدم و تأخر دوره‌های مختلف تمدن بشر اصل مکمل‌سازی را در خود مستتر دارد. از طرفی نیز رعایت نظم در ارائه دروس و سیر منطقی زنجیروار مطالب آموزشی در یادگیری مؤثر است و علاوه بر تسهیل این فرایند، اثربخشی بیشتری نیز دارد. در نگاه اول سرفصل‌های درسی رشته باستانشناسی از نظم و ترتیب منطقی برخوردار و در نظر گرفتن دروس پایه و قراردادادن دروسی به عنوان پیشنیاز دروس دیگر، مؤید این نظر است. مسأله مکمل‌سازی و انسجام و ترتیب منطقی دروس تا حد زیادی به عوامل خارجی از جمله امکانات گروه‌ها، کادر آموزشی مورد نیاز بستگی دارد. به عبارت بهتر بضاعت گروه‌های آموزشی در این زمینه نقش مهمی دارد تا گروه‌ها بتوانند، بدون دغدغه خاطر از بابت کمبودها و مشکلات، در کنار نظارت و هدایت دقیق دانشجویان برنامه دروس خود را بر اساس انسجام و ترتیب منطقی ارائه دهند.

البته در کل، کاستیها و خلأهایی در برنامه دروس گروه باستانشناسی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد افزودن دروسی به این برنامه نظیر «تاریخ عمومی ایران» به عنوان یک درس پایه برای آشنایی دانشجویان با مسائل تاریخی ایران در دوره‌های باستان، تاریخی و اسلامی بسیار سودمند باشد. همچنین در برنامه حاضر به باستانشناسی ایران در هزاره‌های چهارم و سوم پیش از میلاد نیز کمتر توجه شده و فقط در درس «ایران در دوره شهرنشینی» بدان اشاره‌ای گذرا شده است که جای تأمل دارد.

### یادداشتها و منابع:

● از جناب آقای دکتر سرفراز و سایر استادان محترم که در تهیه منابع مورد نیاز و نگارش این مقاله، نگارنده را یاری کردند، سپاسگزارم.

۱. ملک شه میرزادی، صادق؛ «اشاره‌ای مختصر بر تحول تشکیلات باستانشناسی ایران»، مجله اثر، اسفند ۱۳۶۵، نشریه سازمان حفاظت آثار باستانی ایران، ص ۱۴۴.
۲. نگهبان، عزت‌الله؛ «مروری بر پنجاه سال باستانشناسی ایران»؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶، ص ۳ - ۷۲.
۳. همان؛ ص ۷۴.
۴. همان؛ ص ۸۰.
۵. ملک شه میرزادی، صادق؛ ۱۳۶۵، ص ۱۴۵.
۶. صورت جلسه مذاکرات و شرح مصوبات شورای عالی برنامه ریزی درسی، ۵۶ جلسه شورای عالی برنامه ریزی درسی مورخ ۱۳۶۸/۷/۵.
۷. شورای عالی برنامه ریزی درسی، مشخصات کلی و برنامه سرفصل دوره کارشناسی باستانشناسی، کمیته برنامه ریزی باستانشناسی، گروه علوم انسانی مصوب چهل و دومین جلسه شورای عالی برنامه ریزی درسی، مورخ ۱۳۶۵/۲/۶.
۸. فردا، هاشم؛ «سرفصلها و جایگاه آنها در برنامه آموزش عالی کشور»، مجله «سخن سمت»، تابستان ۱۳۷۸، ص ۴۶.
۹. دانشنامه جهان اسلام، حرف ب، جزوه چهارم، ۱۳۷۳، ذیل باستانشناسی، ص ۵ - ۴۸۴.
۱۰. بحرالعلومی شاپورآبادی، فرانک؛ روشهای سالیابی در باستانشناسی؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ ۱۳۷۸، ص ۶ - ۷.
۱۱. آموزش باستانشناسی صرفاً بخشی از فعالیتهای این مرکز را تشکیل می‌دهد.
۱۲. مشخصات کلی و برنامه دروس رشته باستانشناسی، مصوبه چهل و دومین جلسه شورای عالی برنامه ریزی درسی مورخ ۱۳۶۸/۷/۵.
۱۳. همان.